

ایران در هفته‌ای که گذشت!

(۳۸)

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

اول ماه، روز جهانی کارگر در ایران، در زیر فشار و تهدید رژیم جمهوری اسلامی برگزار شد. رژیم به بهانه «رحلت محمد» می‌خواست روز جهانی کارگر یک روز زودتر برگزار شود. اما کارگران به این ترفند رژیم و خانه کارگر بهایی ندادند و با تحریم مراسم‌های رژیم در روز ۱۰ اردیبهشت، که هیچ ربطی به روز جهانی کارگر ندارد، روز ۱۱ اردیبهشت مراسم‌های مستقل خود را برگزار کردند. وزارت کشور رژیم، حتا به نهاد رسمی خود، یعنی خانه کارگر، اجازه راهپیمایی نداد. در تهران ۱۲ میلیونی فقط ۵۰۰ نفر در مراسم خانه کارگر شرکت کردند. این یک شکست بزرگ برای رژیم و یک پیروزی برای طبقه کارگر آگاه محسوب می‌شود. همچنین در این مراسم کارگران معترض و رادیکال با قطع سخنرانی‌ها شعارهایی علیه مسئولین خانه کارگر، شورای عالی کار و رژیم دادند.

کارگران شهرهای مختلف کشور، روز ۱۰ اردیبهشت و هم ۱۱ اردیبهشت، با تحریم مراسم‌های رسمی رژیم، مراسم‌های مستقل خود را برگزار کردند. در کردستان، تمام نیروهای سرکوب‌گر به حال آماده‌باش درآمدند و شهر سنندج تقریبا حالت فوق‌العاده نظامی پیدا کرد.

در شهر سقز، کارگران مراسم خانه کارگر را تحریم کردند. کارگران کردستان، قطعنامه‌ها و بیانیه‌های رادیکال و سوسیالیستی، در تجمعات خود به تصویب رساندند و منتشر کردند. برای مثال در بیانیه «کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه» کارگران شهرهای مهاباد، کامیاران، سقز، بانه، مریوان و سنندج که در تاریخ اول ماه مه منتشر گردید و از سوی سایت سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه‌له) باز تکثیر شد، می‌خوانیم:

«کارگران!»

مردم آزادی خواه!

اول ماه مه روز جشن اتحاد و همبستگی بین‌المللی کارگران است. روز اعلام جرم طبقه کارگر علیه نظام سرمایه‌داری است. در این روز کارگران پرچم‌هایی بشریت را به اهتزاز در می‌آورند و قدرت طبقاتی خویش را علیه نظام سرمایه‌داری به نمایش می‌گذارند.

در بخش دیگری در این بیانیه آمده است: جنگ در منطقه خاورمیانه و عراق براساس منافع امپریالیستی و برای سرکوب و عقب‌راندن جنبش کارگری، جنبش رادیکال اجتماعی و تحلیل بردن توان و عقب‌راندن جنبش کارگری، جنبش رادیکال اجتماعی و تحلیل بردن توان پتانسیل انقلابی مردم آزادی خواه انجام می‌پذیرد.

در مقابل این وضعیت جنبش کارگران و بشریت متمدن علیه جنگ و نابرابری قرار دارد. پرچم آزادی، مساوات، رفاه، صلح و آسایش را این جنبش برافراشته است.

ما کارگران کردستان به عنوان بخشی از این جنبش عظیم جهانی، تجاوز و جنگ را به شدت محکوم می‌کنیم و از حکومت کارگران به عنوان بدیلی برای اعمال حاکمیت مردم آزادی خواه پشتیبانی می‌کنیم».

انتشار چنین بیانیه‌هایی که از خصلت انترناسیونالیستی کارگری و کمونیستی برخوردار است، رشد و آگاهی طبقاتی و رادیکالیسم کارگران کردستان را نشان می‌دهد. قاعدتا باید این بخش از کارگران تشکیلات علنی خود نظیر «کنفدراسیون کارگران» را به وجود بیاورند و فعالین و دست‌اندرکاران جنبش کارگری کردستان و دیگر استان‌های ایران، هر چه بیش‌تر با هم در ارتباط و تبادل نظر قرار بگیرند و سازمان‌دهی کنفدراسیون سراسری کارگران ایران را در دستور فعالیت‌ها و اولویت‌های خود قرار بدهند. مطالبات خود را مانند اضافه‌دستمزد، بیمه بی‌کاری، تحصیل و بهداشت رایگان، برابری زن و مرد، رعایت حقوق کودکان و لغو کار کودکان زیر ۱۸ سال، حق آزادی تشکل و اعتصاب تا چگونگی‌هایی جامعه با یک انقلاب اجتماعی از یوغ و ستم رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و برپایی حکومت کارگری را در اولویت فعالیت‌های خود قرار دهند.

شکی نیست کارگرانی که چنین بیانیه و قطعنامه‌هایی را انتشار داده‌اند، بیش از هر کس به فکر تشکل علنی و سازمان‌یابی خود هستند. با امید این که با پراتیک کردن قطعنامه‌ها و شعارهای اول ماه مه، در آینده نزدیک شاهد اعلام موجودیت تشکل‌های مستقل کارگری پیشرو و ضد سرمایه‌داری در شهرها و کارخانه‌های کردستان و سراسر ایران باشیم.

البته در این میان فقط کارگران پیشرو و کمونیست نیستند که به دنبال تشکل‌های مستقل خود هستند، بلکه جناح‌هایی از رژیم، رفرمیست‌ها و حتی سازمان بین‌المللی کار نیز در تلاشند تا

تشکل‌های مستقل کارگری را منطبق با سیاست‌های خود بسازند. تشکلی که ما کمونیست‌ها مدنظر داریم، نمی‌تواند به سرنگونی سیستم بورژوازی از طریق یک انقلاب اجتماعی، برپایی حکومت کارگری، آزادی‌های فردی و اجتماعی و نهایت امر لغو مالکیت خصوصی و لغو کار مزدی بی‌تفاوت بماند. بنابراین باید درباره تشکل‌های مستقل کارگری بیشتر بحث و گفت‌وگو کرد تا خط و مرزهای فرمیست‌ها، طرفداران اصلاحات بورژوایی با کمونیست‌ها هر چه بیشتر روشن‌تر شود.

اعتصاب معلمان

هم‌زمان با مراسم‌های اول ماه مه، معلمان کشور نیز در رابطه با دستیابی به مطالبات خود دست به اعتصاب و راهپیمایی زدند.

روز ۱۳ اردیبهشت ماه، معلمان برخی از شهرهای کشور، برای پیگیری مطالبات خود دست به تجمعات اعتراضی زدند. بسیاری از مدارس نیز تعطیل شد و دانش‌آموزان از مبارزه معلمان خود حمایت و پشتیبانی کردند. در برخی شهرها نیروهای انتظامی به تجمعات معلمان، یورش بردند و تعدادی را نیز بازداشت کردند.

صدها تن از فرهنگیان مشهد، در مقابل اداره آموزش و پرورش مشهد، تجمع کردند. براساس گزارشاتی جمعیت تجمع‌کننده در ساعت ۹ صبح شنبه، علیه مسئولان و مقامات آموزش و پرورش و رژیم شعار دادند. در همین ساعت نیروهای لباس شخصی حاضر در محل و پلیس ضدشورش به معلمان با باطوم حمله کردند. در ساعت ۹/۳۰ صبح تمام خیابان‌های منتهی به اداره آموزش و پرورش توسط پلیس بسته می‌شود و از ورود و خروج افراد از خیابانی که اداره آموزش و پرورش در آن قرار دارد جلوگیری به عمل آمد. گفته شده است که در این حمله تعدادی از معلمان را بازداشت کردند.

در ارومیه معلمان، در مقابل ساختمان آموزش و پرورش آذربایجان غربی، دست به تجمع اعتراضی زدند و بر خواسته‌های خود پافشاری کردند. معلمان، پلاکاردهایی در دست داشتند که بر روی آن‌ها از جمله نوشته شده بود، «نه فقر، نه تبعیض». در این تجمع قطعنامه‌ای به تصویب رسید که در آن بر افزایش دستمزد، تغییر شرایط کار معلمان و رفع تبعیض تاکید شده است. در کرمانشاه نیز بیش از سه هزار تن از معلمان، در مقابل اداره آموزش و پرورش تجمع کردند.

همچنین معلمان تمام نواحی ۲۲ گانه تهران، دست به اعتصاب زدند. هزاران نفر از معلمان نواحی مختلف تهران، روز ۱۳ اردیبهشت ماه در مراکز آموزش و پرورش دست به تجمعات اعتراضی زدند و خواسته‌های خود را مطرح کردند.

بنا به گزارش ایسنا، جمعی از فرهنگیان که روز شنبه ۱۳ اردیبهشت ماه، در برابر اداره کل آموزش و

پرورش منطقه ۶ تهران، خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. بنا به همین گزارش، حق مسکن، رفع تبعیض بین فرهنگیان و کارکنان دیگر وزارت خانه‌ها، برخورداری از حق بیمه همانند سایر کارکنان وزارت خانه، بهره‌مندی از بازنشستگی طبق مصوبه مجلس ۲۵ سال با ۳۰ روز بدون شرط سنی، کم کردن سختی کار معلمین ورزش، احتساب سنوات تحصیل مریبان بهداشت و از جمله مطالبات تجمع کنندگان اعلام گردید.

معاون یکی از دبیرستان‌های منطقه ۶ در این زمینه گفت: تمام مشکلات نسل جوان از لحاظ تربیتی، آموزشی، مادی و معنوی به دست معلمان سپرده می‌شود؛ در حالی که حفظ حرمت و شان معلمان کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد. وی افزود: در طول ۳۳ سال خدمت در آموزش و پرورش حتی یک بار موفق به دیدن مدیرکل اداره برای مشورت و یا بیان مشکلات و مسائل نشدم.

معلمان، در سال گذشته در استان‌های کردستان، گیلان، کرمانشاه، همدان، خوزستان، شیراز، مشهد و تهران بزرگ بارها به تجمعات اعتراضی و راهپیمایی دست زده‌اند. آنان از جمله خواهان تامین امنیت شغلی، بیمه، حق تدریس، رفع تبعیض، حق تشکل، رسیدگی به وضع بازنشستگی، فوق‌العاده شغلی و اضافه دستمزد هستند.

رژیم جمهوری اسلامی، به آموزش و پرورش، بر خلاف همه کشورهای جهان، کم‌ترین بودجه را اختصاص می‌دهد. شهباز خانی نایب رییس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس اقرار می‌کند: متأسفانه آموزش و پرورش هیچ‌گاه اولویت لایحه بودجه دولت نبوده است. وی افزود: ... در این مطالعه حقوق معلمان را با کارکنان بخش صنعت مقایسه کردیم در انگلستان حقوق معلم ۱۱۴ درصد و در هلند ۱۷۶ درصد و در ایران تنها ۴۱ درصد حقوق کارمند بخش صنعت است.

کارگران، مردم محروم و ستم‌دیده و آزادی‌خواهان باید از حقوق معلمان حمایت کنند. همچنین قاعدتا باید دانش‌آموزان نیز به حمایت از مبارزه و مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی معلمان خود برخیزند. چرا که اگر زندگی معلم تامین شود، فراغت و فرصت بیشتری می‌یابد تا به تحقیق و مطالعه و کیفیت تحصیل بپردازد. معلمی که برای تامین زندگی خود اجبارا و علی‌رغم دل‌خواه خود به دو سه شغل روی می‌آورد، زندگی خود را با استرس و فشار می‌گذراند و از این‌رو نمی‌تواند آن‌طور که باید و شاید به مسائل و مشکلات آموزشی و پرورشی شاگردانش رسیدگی کند.

مسلم است مبارزه معلمان که مسئولیت سنگین آموزش و پرورش آینده‌سازان جامعه را به عهده دارند، به اهداف اقتصادی و اجتماعی برسد، به نفع اکثریت جامعه است. پس باید از مبارزه معلمان بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و مطالبات آنان دفاع کرد. معلمان آگاه و پیشرو در نقد خرافات مذهبی و تفتیش عقاید و جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش نقش به‌سزایی دارند.